

نقد و بررسی بهره‌گیری از استخاره، معجزه و خواب در ادله مدعی یمانی بصری

محمد شهبازیان*

مهدی یوسفیان**

چکیده

یکی از مدعیان معاصر، به نام «احمد بن اسماعیل بصری»، ادعاهایی مانند یمانی ونوه امام مهدی (عج) بودن، امامت جهانیان بعد از وفات حضرت مهدی (عج) و موارد دیگر را به خود نسبت داده و مریدانش با تمسک به معجزاتی که به این فرد نسبت داده شده و با تحریف برخی از روایت‌ها، در اثبات امامت و حقانیت او با استفاده از استخاره با قرآن و رویا و خواب تلاش دارند.

بهره‌گیری از استخاره و خواب، جهت تشخیص حجت الهی، علاوه بر عدم دلیل در اثبات، دلایلی بر خلاف آن، وجود داشته و به گونه‌ای از سوی علمای دین بر بی‌اعتباری این روش اجماع می‌باشد. از طرف دیگر، بیان مکان دفن حضرت زهرا (عج) از جانب این فرد، نه تنها با معنای اصطلاحی معجزه همخوانی ندارد، بلکه روایات معصومین (عج) خلاف آن را بیان کرده‌اند.

روش این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و به هیچ عنوان نمی‌توان امامت یک فرد را توسط استخاره با قرآن و رویا اثبات کرد.

کلید واژه‌ها: احمد بصری، مدعیان، استخاره، معجزه، خواب.

مقدمه

از مهم‌ترین شگردها و ترفندهای مدعیان دروغین، استفاده از معجزه‌ها و کرامت‌های مورد ادعا، دیدن خواب توسط مریدان در حقانیت رهبر فرقه و ادعای عدم پاسخگوئی عالمان دینی در مورد دعوت مطرح شده توسط رهبر فرقه و گروه می‌باشد (برای اطلاعات بیش‌تر ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱: صص ۳۸ و ۲۵۲).

در میان ده‌ها مدعی دروغینی که امروزه در ایجاد انحراف عقیدتی نقش دارند، از احمد بن اسماعیل بصری می‌توان نام برد. این فرد با بیان برخی ادعاها در ایجاد انحراف میان علاقه‌مندان به امام مهدی (عج) سعی و قصد داشته و تعدادی از افراد را با نام "انصار امام المهدی (عج)" گرد خود فراهم آورده است.^۱ در میان ادله دعوت این گروه، به مواردی، مانند ادعای معجزه، استخاره با قرآن و خواب برمی‌خوریم که بررسی آن‌ها انحراف این فرقه را آشکار می‌سازد.

این گروه ادعا دارند که یکی از معجزه‌های احمد، ارائه قبر مخفی حضرت زهرا (عج) بوده و تنها او در عصر غیبت از مکان آن مطلع است. همچنین یکی از راه‌های اثبات حقانیت احمد را استخاره با قرآن، و خواندن دعای رؤیا و خواب دیدن اهل بیت (عج) می‌دانند تا بدین وسیله در عالم رؤیا به ما بگویند که این فرد فرزند امام مهدی (عج) بوده و از یاران و خواص ایشان است (واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدی، ص ۵۲؛ ر.ک: احمد بن اسماعیل، ج ۱-۳، ص ۹).

اگر چه این افراد، نتوانسته‌اند پس از سال‌ها تبلیغ به نتایج مطلوب خود برسند؛ اما بررسی دیدگاه و ادله مطرح شده از سوی آنان می‌تواند به رشد فکری جامعه مهدوی کمک نموده و راه نفوذ مدعیان دیگر را مسدود نماید. از این‌رو عدم وجود مقاله‌ای کامل و نو (با توجه به این‌که ادعا کرده‌اند برخی از اشکالات گذشته توسط دیگر محققین را پاسخ داده‌اند) در پاسخ

۱. در مقاله (بررسی برخی ادله روایی احمد بصری؛ یمانی دروغین) فصلنامه مشرق موعود، ش ۲۷، ص ۵۹، به زندگینامه و عملکرد این گروه پرداخته‌ایم.

به ادعاهای آنان، انگیزه‌ای گردید تا به بررسی برخی از ادله این گروه بپردازیم.^۱ در این نوشتار تلاش شده است تا ادعاهای این فرد تبیین گردیده و با توجه به این که این فرد، خود را معصوم می‌داند و علم خود را برگرفته از علوم ائمه علیهم‌السلام ذکر می‌کند (ر.ک: احمد بن اسماعیل، ج ۱-۳، ص ۴۴۰)؛ اشتباهات و انحرافات عقیدتی او را متذکر شویم.

معرفی اجمالی احمد بصری

پس از بیان مختصری از زندگی‌نامه این مدعی، به برخی از دیدگاه‌های او می‌پردازیم. احمد بن اسماعیل، در سال ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش)، در شهر بصره عراق متولد شد. تحصیلاتش را تا لیسانس و اخذ مدرک مهندسی معماری ادامه داده است.

او ادعا دارد که در اواخر سال ۱۹۹۹ م (۱۳۷۸ ش) و در ۲۹ سالگی، به امر امام مهدی علیه‌السلام، به نجف هجرت کرده و گمان نمود روش تدریس در حوزه علمیه دارای خلل علمی است. او طی سال‌های حضورش در نجف، با حوزه در تماس بوده؛ اما در آن تحصیل نمی‌کرد و به زعم یارانش، در سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ش)، و پس از دیدن حضرت مهدی علیه‌السلام در رویا و خواب‌های متعدد، به اصلاح امور پرداخته است. برخی طرفدارانش ادعا کرده‌اند که پس از نشر دعوت مخفیانه و ایمان آوردن تعدادی از افراد به او، امام مهدی علیه‌السلام دستور دادند که احمد بصری آشکارا به مردم اعلام کند که او فرستاده حضرت مهدی علیه‌السلام است. لذا دعوت مردم، از سوی او در جولای سال ۲۰۰۲، موافق با جمادی اول سال ۱۴۲۳ هجری، در نجف اشرف آغاز شد. (واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدی، ص ۳۶).

در آغاز دعوت، بین سال‌های ۱۹۹۹ م تا ۲۰۰۲ م (۱۳۷۸-۱۳۸۱ ش) و قبل از علنی شدن دعوت، او به اصلاح (به گمان خود) حوزه علمیه نجف، به فعالیت‌هایی با عنوان اصلاح علمی و اصلاح عملی (اصلاح مالی حوزه) مبادرت نمود.

۱. نگارنده بحث‌هایی را در موارد مختلف و شهرهای متعدد، با مبلغان این گروه داشته و در شبکه ماهواره‌ای ولایت و سایت ندای شیعه (WWW.HAGH110.COM)، به ارائه بحث و مناظره با این گروه مشغول بوده‌ام.

میردانش معتقدند که با انتشار کتاب «الطریق الی الله»، اصلاح علمی؛ و با امر به معروف و نهی از منکر علمای عراق! اصلاح عملی خود را آغاز کرد. او در بیانیه‌اش برای میردانش می‌گوید:

«روزها و ماه‌ها گذشت و تقریباً سه سال گذشت، نه یاری و نه یاورى از طلاب حوزه علمیه داشتم،...و بعد از چند ماه، اعلام کردم که من از طرف امام مهدی علیه السلام فرستاده شده‌ام و با ایشان ارتباط دارم.... و این در ماه جمادى الأول سال ۱۴۲۳ هـ بودو در سال ۱۴۲۴ هـ و در ماه جمادى الأول، عده‌ای از این مؤمنان آمدند و با من تجدید بیعت کردند و از خانه‌ام خارجم ساختند و دوباره دعوت را آغاز کردم؛ و دو روز آخر از ماه رمضان سال ۱۴۲۴ هـ.ق امام مهدی علیه السلام به من امر فرمود که خطابم را متوجه اهل زمین کنم و هر فرقه را با توجه به ویژگی‌هایش بر حسب اوامر امام علیه السلام مورد خطاب قرار دهم و در روز سوم شوال (مطابق ۱۷ آذر ۱۳۸۱) امام مهدی علیه السلام به من امر فرمود که انقلاب علیه ظالمان را علنی کنم و به بررسی راهکارها بپردازم و کارهای لازم را به سرعت انجام دهم...» (همان و ر.ک: احمد بن اسماعیل، ج ۱-۳، ص ۱۷۳).

او خود را با چهار واسطه، فرزند حضرت مهدی علیه السلام؛ یمانی زمینه ساز ظهور^۲؛ خلیفه و جانشین حضرت مهدی علیه السلام؛ وارث علوم اهل بیت علیهم السلام (واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدی، ص ۳۰)، دابۀ الارض دوم (که در آخرالزمان و قبل از حضرت علی علیه السلام می‌آید.) (احمد بن اسماعیل، ج ۱-۴ ص ۲۳۵)، یکی از سیصد و سیزده یار حضرت مهدی علیه السلام دانسته و معتقد است امر رجعت، بعد از تمام شدن حکومت ۱۲ مهدی، که جانشین حضرت

۱. او خود را بنابر شجره نامه‌ای جعلی این چنین معرفی می‌کند:

احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن مهدی علیه السلام و معتقد است که امام زمان علیه السلام پس از ازدواج در دوران معاصر، فرزندی به نام سلمان به دنیا آورده اند، و احمد بصری از این راز پرده برداشته است. ر.ک: یمانی موعود حجت الله، ص ۱۵۱، ادله جامع یمانی، ص ۳۱.

۲. یمانی موعود حجت الله، ص ۴۹.

مهدی علیه السلام بوده اند و اولین این ۱۲ نفر، احمد بصری است؛ رخ خواهد داد.^۱ همچنین علم اصول، فلسفه، منطق، رجال و سند شناسی را بدعت می‌داند (واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدی، ص ۳۷)؛ و اگر چه مردم قبل از اعلان دعوت این فرد به تقلید از مراجع موظف بوده‌اند؛ بعد از آن، تقلید از مراجع را جایز نمی‌داند و خود را تنها پاسخ‌گو معرفی کرده است.^۲ در میان مراجع، تنها به امام خمینی رحمته الله و شهید سید محمد صدر - صاحب موسوعه امام مهدی - علیه السلام، احترام می‌گذارد که البته این مطلب، با توجه به دیگر عقاید او، برای مریدانش نیز حل نشده است (احمد بن اسماعیل، ج ۱-۳، صص ۴۸ و ۷۶ و ۳۱۵).

قابل ذکر است تمامی کتاب‌های نوشته شده در انتشارات «انصار الامام المهدی» مورد تایید احمد بصری بوده و آن‌ها را ملاک دعوت خود می‌داند (احمد بن اسماعیل، ص ۲۹؛ وصی و رسول الامام المهدی علیه السلام فی التوراة و الانجیل و القرآن، ص ۲۵). از این روی یکی از راه‌های به دست آوردن ادله دعوت و پاسخ به پرسش‌ها را، کتاب‌های چاپ شده توسط انتشارات انصار می‌داند.

این فرد ادله‌ای را برای دعوت خود استفاده نموده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استخاره

احمد معتقد است می‌توان از طریق استخاره با قرآن، به امامت یک امام و حجت الهی پی برد و حقانیت او را اثبات نمود.

برای اثبات این مدعا، در کتاب‌های چاپ شده آنان چنین آمده است:

استخاره به قرآن، از روش‌های امداد غیب خداوند نسبت به بندگان است که خداوند متعال هر بنده‌ای را که بخواهد، با آن تأیید می‌کند، و ما ورای قدرت بشر می‌باشد، و شما ای

۱. این موضوع را در رساله‌ای مستقل با نام (الرجعة ثالث ایام الله الکبری) به بحث نهشته‌اند.

۲. المتشابهات، ج ۱، ص ۱۰۱. همچنین جزوه ای تفصیلی با عنوان (البيان المفید فی بیان بدعة التقليد) به قلم عبدالعالی المنصوری، چاپ نموده اند.

بنده‌های مسلمان! به قرآن پناه ببرید و از خداوند نصیحت بخواهید؛ زیرا قرآن ناصح امین می‌باشد، و عجیب است که انسان از خداوند خواستار نصیحت باشد و سپس به خداوند تهمت بزند! سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله!

بنابراین، این روش اثبات از ساده‌ترین و محکم‌ترین دلایل تأیید حقانیت احمد الحسن می‌باشد...

اما آیا با استخاره به قرآن می‌توان حجت الاهی را شناخت و آیا این موضوع در روایات اهل بیت علیهم‌السلام سابقه‌ای دارد؟

علی بن معاذ گفت: من به صفوان بن یحیی گفتم: چگونه بر امامت علی (امام رضا علیه‌السلام) مطمئن شدی؟ گفت: نماز خواندم و دعا کردم و استخاره کردم و بر ایشان اطمینان پیدا کردم!

نیز در مورد یمانی، در روایتی از مولا، علی علیه‌السلام نیز وارد شده است که اگر درباره‌ی وی استخاره کردید و خدا برای شما نسبت به حقانیت ایشان، خیر خواست، هرگز او را رها نکنید. سلیمان بن بلال می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام از پدر خود و او از پدر خویش و او از حسین بن علی علیه‌السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: مردی نزد امیر المؤمنین علیه‌السلام آمد و به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان! ما را از مهدی خود (یمانی) آگاه کنید،... سپس آن حضرت به وصف مهدی علیه‌السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده‌تر و دانش او از همه شما فزون‌تر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می‌کند و حفظ پیوستگی می‌نماید. پروردگارا! برانگیخته شدن او را مایه به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز!

پس، اگر خداوند (پس از استخاره) برای تو خیر خواست، عزم خود استوار گردان. اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی، از او به دیگری باز مگرد، و هر گاه به سویش راه یافتی، از او در مگذر (پس از این سخن‌ها) آه برآورد؛ و در این حال، با دست خویش به سینه خود اشاره نمود و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم. (واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدی، ص ۵۲)

نقد

روایاتی که این افراد برای اثبات ادعای خود استفاده می‌کنند، در دو بخش قابل تحلیل است:

الف) روایاتی که به صورت عمومی بحث حجیت استخاره را مطرح می‌کنند، و با مدعای احمد بصری ارتباطی ندارد.

ب) روایاتی که گمان گردیده، به عمل استخاره در پیدا کردن امام معصوم اختصاص و صراحت دارد.

این نکته قابل یادآوری است که در جواز شرعی استخاره_در برخی امور و با شرایط - تردیدی نداریم (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۳۱۹؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵: ج ۳، ص ۳۹۴)؛ اما محل بحث و اختلاف ما با احمد بصری، در اعتبار یا عدم اعتبار پیدا کردن امام و اثبات حقانیت یک فرد با استخاره می‌باشد که پس از ذکر مقدمه‌ای به تحلیل دلیل او می‌پردازیم:

جایگاه و قلمرو استخاره:

«استخاره، عنوانی عام برای آن‌گونه از آداب دینی است که با انجام دادن آن‌ها، شخص انتخاب احسن را از خداوند می‌طلبد. استخاره در لغت، طلب و خواستن بهترین در امری است؛ اما در اصطلاح دینی واگذار کردن انتخاب به خداوند در کاری است که انسان در انجام دادن آن درنگ و تأمل دارد. استخاره کردن در امری که شرع، حکمی روشن دارد، روا نیست و تنها در کارهای مباح یا در انتخاب میان دو مستحب، پسندیده است» (جمعی از نویسندگان، زیر نظر سید کاظم موسوی بروجردی، ۱۳۸۵ ش: ج ۸، ص ۱۶۸؛ جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سید محمود هاشمی، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۲۶۰؛ همچنین ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۶۷).

از این‌رو در انجام دادن واجبات و ترک محرمات و در مواردی که عقل حکم قاطع و روشنی در مورد خیر و شرّ عملی داشته باشد یا جایی که بتوان با مشورت دیگران خیر را از شرّ بازشناخت جای استخاره نیست (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۸، ص ۲۲۹. دانیالی، زمستان ۹۰: ش ۶۸، ص ۶۴). آنچه مسلم است و از هیچ یک از فقهای شیعه - حتی بزرگانی، مانند سید بن طاووس که عنایت ویژه‌ای به استخاره داشته است - خلاف آن دیده نشده؛ اعتقاد به

عدم دستور قرآن و یا معصومین علیهم السلام، در تمسک به استخاره با قرآن برای پیدا کردن حق از باطل و یا تایید ادعاهای مدعیان رسالت و نبوت می‌باشد.^۱ به تعبیر دیگر، در تمام اموری که راه توسط قرآن، عقل و روایات اهل بیت علیهم السلام به صورت روشن بیان گردیده است، جای استخاره نبوده و نمی‌توان بدان تمسک جست.

تایید این مطلب را در کلام سید بن طاوس چنین می‌یابیم:

«یکی از پادشاهان بزرگ دنیا، بارها به من نوشت در سرائی از او دیدار کنم که بسیاری از مردم غافل آرزوی رفتن به آن‌جا را داشتند... نیز بارها به او نوشتم، چیزی که در آغاز زندگانی دیدار پادشاهان را بر من تحمیل می‌کرد، اعتماد من به استخاره بود؛ اما اکنون به موهبت انواری که خدای جل جلاله به من عنایت فرموده است متوجه شدم که استخاره کرن در این موارد، دور از صواب و مبارزه با رب الارباب است». (ابن طاوس، ۱۳۷۵: ص ۱۶۲)

بنابر تصریح علمای شیعه و اعتقاد آنان، عموماً مراد از استخاره و واژه‌های مرتبط با آن مانند استخر، استخرت، خار الله لک و غیره؛ طلب خیر از خداوند در انجام دادن امور با خواندن نماز، دعا و اذکار وارد شده از اهل بیت علیهم السلام است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۸، صص ۲۲۵ و ۲۵۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: صص ۵۲۴؛ یزدی طباطبائی، ۱۴۱۹: ص ۳۲۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: صص ۱۰۰ و ۱۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۲۹۷). احمد بصری با سوءاستفاده از عدم آگاهی حدیثی مریدانش، تمام روایاتی را که به صورت الفاظ ذکر شده در روایات آمده است، به استخاره عرفی و با استفاده از قرآن معنا می‌کند.

۱. ر.ک: کشف المحجة لثمرة المهجة، ص: ۱۶۲، برای اطلاعات بیشتر تر ر.ک: فصلنامه فقه اهل البيت علیهم السلام ش ۵۸، ص ۵۱، و ش ۵۹ ص ۸۳ مقاله (دراسة استدلالیة حول الاستخارة) اقای سلمان الدهشوری، مقدمه کتاب (دانش استخاره)، آیت الله محمد رضا نکونام.

شیخ مفید در باره جایگاه و محل استفاده از استخاره می‌گوید:

«وَلَا يَنْبَغِي لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَسْتَخِيرَ اللَّهَ فِي فِعْلٍ شَيْءٍ نَهَاهُ عَنْهُ وَلَا حَاجَةَ بِهِ فِي اسْتِخَارَةِ لِأَدَاءٍ قَرُضٍ؛ سزاوار نیست که انسان در امری که خدا نهی کرده و یا امری که خدای متعال واجب نموده است و بدان‌ها یقین دارد، استخاره نماید» فتح الابواب، ص ۱۷۶. بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۲۲۹ (کتاب شیخ مفید امروز در اختیار ما نیست و اولین ناقل سید بن طاوس می‌باشد).

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز این امر تأیید شده و مراد از استخاره را طلب خیر و یاری از خداوند در انجام دادن کاری ذکر کرده‌اند. از این روی فرموده‌اند: «علی بن اسباط می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که هرگاه که اراده استخاره (طلب خیر و کمک از خدا) در یک کار بزرگ را داشتم، صد بار از خدای متعال در سجده گاهم طلب خیر می‌کردم و اگر امری مانند فروش گوسفند یا شبیه آن بود، سه بار در سجده گاهم از خدا طلب خیر می‌کردم. استخاره و طلب خیر من چنین بود که می‌گفتم:

خدایا! از تو که به غیب و شهادت عالم هستی، درخواست می‌کنم که اگر این کاری که می‌خواهم انجام دهم، برای من خیر دارد، آن را برای من انجام بده و یاری‌ام کن و اگر علم داری که شر من در انجام دادن آن است؛ مرا از اجرائش منصرف کن و مرا به سمت امر خیر هدایت فرما!». (برقی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۶۰۰)

در این روایت کاملاً مشخص است که امام علیه‌السلام صد بار با قرآن استخاره نکرده‌اند و با توجه به دعایی که در ادامه فرموده‌اند، مرادشان از استخاره، یاری گرفتن از خدای متعال در به سرانجام رسیدن کار و انتخاب صحیح است و این دسته از روایات با ادعای احمد بصری هیچ ارتباطی نداشته و نمی‌توان به عنوان دلیل قبول نمود.

بار دیگر خوانندگان را بدین نکته توجه می‌دهیم که در سیره عملی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام، و حتی یاران این بزرگوارن، اثبات امامت با استخاره جایگاهی نداشته و در هیچ یک از منابع روایی شیعه حدیث یا گزارش تاریخی در این باب وجود ندارد و آنچه را نیز طرفداران احمد به کتاب‌های شیعه نسبت می‌دهند، توهم و دروغی از جانب آنان بوده که در ادامه به تحلیل آن خواهیم پرداخت.

نقد ادعای بهره‌گیری از استخاره در اثبات امامت

این شخص تاکنون دو دلیل برای فرضیه خود ارائه داده است: یکی از دلایل، روایت امام علی علیه‌السلام و دیگری عمل صفوان بن یحیی می‌باشد.

روایت اول:

مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان! ما را از این مهدی خود آگاه کنید.... سپس آن حضرت به وصف مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده تر و دانش او از همه شما فزون تر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می کند و حفظ پیوستگی می نماید. پروردگارا! برانگیخته شدن او را مایه به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز! پس، اگر خداوند برای تو خیر خواست، عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی، از او به دیگری باز مگرد، و هر گاه به سویی راه یافتی از او در مگذر [پس از این سخن ها] آه برآورد و در این حال، با دست خویش به سینه خود اشاره نمود و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم». (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ص ۲۱۴)

عبارت (خارالله لک) که در متن عربی روایت آمده است، نه تنها به استفاده از استخاره برای اثبات امامت اشاره ای ندارد؛ بلکه عنوانی عمومی است که به معنای عنایت خداوند بر فرد و همراهی با حضرت مهدی علیه السلام می باشد. طریحی و دیگر لغت شناسان می گویند:

«و خَارَ الله لک: ای اعطاک الله ما هو خیر لک (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۲۹۷؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۶۷)؛ مراد از خار الله لک، یعنی وقتی خداوند به تو خیر عطا کند».

مراد امام علی علیه السلام نیز از عبارت این بوده که وقتی خداوند به تو خیر یاری حضرت مهدی علیه السلام را عنایت کرد، تو نیز از این عنایت استقبال نما و به مهدی علیه السلام بیوندد. در تأیید مطلب مذکور می توان به استفاده خبر دهندگان شهادت مسلم بن عقیل به امام حسین علیه السلام^۱ و همسر زهیر بن قین هنگام پیوستن زهیر به کاروان حسینی اشاره کرد که در

۱. «فقلنا: اخبرنا الراکب بقتل مسلم بن عقیل و هانی بن عروة، فقال: إنا لله و إنا إليه راجعون رحمة الله عليهما، فقلنا: نشدک الله ألا انصرف من مکانک و أنا نتخوف علیک، فنظر إلى بنی عقیل فقال: ما ترون فقد قتل مسلم؟ فقالوا: ما نرجع حتی نصیب ثأرنا أو نذوق ما ذاق، فقال: لا خیر فی العیش بعد هؤلاء الفتية، فعملنا...»

مقام دعا برای امام حسین (علیه السلام) و زهیر از این عبارت استفاده کرده^۱ و با عمل عرفی استخاره هیچ ارتباطی ندارد (جزائری، ۱۴۲۷: ج ۱، صص ۲۱۷ - ۲۱۸)

روایت دوم

«عَلِيُّ بْنُ مُعَاذٍ قَالَ قُلْتُ لَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَىٰ شَيْءٌ فَطَعْتُ عَلَىٰ عَلِيٍّ قَالَ صَلَّيْتُ وَدَعَوْتُ اللَّهَ وَاسْتَخَرْتُ عَلَيْهِ وَفَطَعْتُ عَلَيْهِ (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۶۱)؛ علی بن معاذ می‌گوید: به صفوان بن یحیی گفتم که چگونه به امامت امام رضا (علیه السلام) اعتقاد پیدا نمودی؟ در پاسخ گفت: نماز خواندم و دعا کردم و استخاره نموده و به امامت ایشان یقین پیدا کردم».

این گروه ادعا دارند که بنابر نقل شیخ طوسی، می‌توان امامت را با استخاره اثبات کرد؛ در حالی که این روایت، نه تنها دلیل بر ادعای آن‌ها نیست؛ بلکه دقت در کلام شیخ طوسی خلاف آن را اثبات می‌کند.

اولاً: این گروه مدعی هستند که باید سخن از اهل بیت (علیهم السلام) باشد تا آن را بپذیرند و تنها عمل معصوم (علیه السلام) حجت می‌باشد؛ در حالی که این سخن از صفوان بن یحیی بوده و عمل او برای ما حجت نیست.

ثانیاً: شیخ طوسی که تنها منبع نقل این روایت است، این سخن را برای قبول یا تایید ذکر نکرده، بلکه در بحثی مفصل در مورد واقفیه و جهت رد این روایت، آن را نقل کرده است. شیخ طوسی در بحثی مفصل در مورد واقفیه^۲ و نقد ادله آنان، از کتاب علی بن احمد علوی، که در تایید واقفیه تالیف کرده، نام برده و عبارت‌های این کتاب را نقد و رد کرده است. ایشان در ابتدای نقد خود می‌گویند:

....»

آنّهم عزم علی المسیر، فقلنا له: خار الله لك.

۱. «فقامت إليه و بكت و ودّعته و قالت: خار الله لك أسألك أن تذكرني في القيامة عند جدّ الحسين (علیه السلام)».

۲. مراد کسانی هستند که در امامت امام کاظم (علیه السلام) توقف کرده و ایشان را به عنوان مهدی موعود نام بردند و امامت حضرت رضا (علیه السلام) را قبول نکردند.

« فأما ما ترويه الواقعة فكلها أخبار آحاد لا يعضدها حجة و لا يمكن ادعاء العلم بصحتها و مع هذا فالرواة لها مطعون عليهم لا يوثق بقولهم و رواياتهم و بعد هذا كله فهي متأولة (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۳)؛ اما آنچه واقفیه نقل کرده‌اند، روایت‌های واحدی هستند که نمی‌توانند حجت و معتبر باشند و راویان آن‌ها معتبر و موثق نیستند و تمام این روایات تاویل شده‌اند».

شیخ طوسی به خلاف ادعای احمد بصری، پس از نقل این خبر، آن را حیل‌ه‌ای از سوی واقفیه و علی بن احمد علوی دانسته که می‌خواهند حقانیت امامت امام رضا علیه السلام را بدین وسیله بی‌اعتبار نمایند. در واقع، این نویسنده واقفی قصد داشته با ذکر این مطلب، سستی و بی‌پایگی ادله شیعیان امام رضا علیه السلام را مطرح کند و به زعم خود نقصی بر حقانیت شیعیان رضوی را به رخ بکشد؛ لذا شیخ در پاسخ و نقد او می‌گوید:

این امر، بدترین چیزی است که کسی در آن تقلید انجام دهد و اگر این عمل توسط صفوان انجام شده باشد، برای ما حجت نمی‌باشد. به علاوه با توجه به منزلت صفوان بن یحیی و علم و زهدش، بعید است چنین عملی را انجام داده باشد و چگونه ممکن است با آن مقام علمی، و در مسئله بزرگی مانند امامت، با مخالفین خود از طریق استخاره استدلال نماید! الا این که طرف مقابل، خود را فردی ابله دانسته و یا به غفلت دچار شده باشد که در این هنگام تکلیف از او ساقط بوده و به تحلیل دلیل او نیازی نیست». (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۶۱)

ثالثاً: چه بسا مراد صفوان بن یحیی، معنای عام و غالبی استخاره، یعنی طلب خیر از خداوند و راهگشایی برای او بوده است؛ همان گونه که در روایات قبل بدان اشاره گردید.

در نتیجه آنچه به دست می‌آید این که عموماً استخاره در روایات، به معنای طلب خیر و کمک از خدا با استفاده از اذکار بوده و در مواردی نیز که استخاره با قرآن بیان گردیده (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۳۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۸، ص ۲۴۱)؛ یقیناً این عمل نمی‌تواند به عنوان دلیل برای اثبات امر مهم و بی‌بدیل امامت به کار رود؛ و نه تنها بر این مطلب دلیلی نداریم و هیچ شیعه‌ای بدین روش عمل ننموده است؛ بلکه گروهی مانند واقفیه تلاش کرده‌اند از این روش باطل، جهت عیب‌جویی بر معتقدین امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام استفاده کنند.

۲. معجزه

معجزات مطرح شده از سوی این افراد برای احمد بصری، در حالی است که تحلیل آن، مقاله‌ای مستقل می‌طلبد. آنان در مواردی، به معجزاتی اشاره می‌کنند که در ضعف آن، برای اثبات امامت تردیدی نیست؛ مانند نوشته شدن نام احمد بر روی یک شمع! و طرح نام احمد با خطوطی در کف دست یکی از انصار احمد بصری!

یکی از معجزاتی که بیانیه آن در شوال ۱۴۲۴ از طرف احمد بصری صادر شده، بیان محل دفن حضرت زهرا (ع) می‌باشد! او مدعی است:

« وأول معجزة أظهرها للمسلمين وللناس أجمعين هو أني أعرف موضع قبر فاطمة (ع) بضعة محمد (ص)، وجميع المسلمين مجمعين علي أن قبر فاطمة (ع) مغيب لا يعلم موضعه إلا الإمام المهدي (ع)، وهو أخبرني بموضع قبر أمي فاطمة (ع) وموضع قبر فاطمة (ع) بجانب قبر الإمام الحسن (ع) وملاصق له وكأن الأمام الحسن المجتبي (ع) مدفون في حضن فاطمة (ع)...^۱ این فرد مدعی است که محل دفن حضرت زهرا (ع) مخفی بوده و تنها حضرت مهدی (ع) و منسوبان به ایشان مکان آن را می‌دانند و او، به عنوان معجزه، مکان قبر را در بقیع کنار امام حسن مجتبی (ع) معرفی می‌کند.»

نقد

«معجزه»، از ماده «عجز» است. عجز یعنی ناتوانی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۲۳۲) و معجزه، یعنی کاری که دیگران در مقابل آن ناتوانند و کسی دیگر به انجام دادن آن قادر نیست (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، صص ۲۴-۲۵).

بنابر روایات اهل بیت (ع)، معجزه راهی برای تشخیص درستی و نادرستی دعوت حجت الهی از مدعیان دروغین می‌باشد که در این مورد، امام صادق (ع) چنین فرموده‌اند:

۱. این بیانیه در سایت رسمی احمد به آدرس ذیل موجود است:

<http://almahdyoon.org/bayanat-sayed/376-zahra>

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: برای چه خداوند عز و جلّ به انبیا و رسولانش معجزه داده است؟ حضرت فرمودند: تا دلیل باشد بر صدق آورنده آن؛ یعنی پیامبر. سپس فرمودند: معجزه علامت و نشانه است بر حقّ تعالی و آن را فقط به انبیا و رسولان و حجّت‌هایش اعطا می‌فرماید تا راستگو از دروغگو مشخص گردد». (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۲۲)

خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلّی، معجزه را چنین تعریف کرده‌اند:

« معجزه عبارت است از کارهای عجیب و غریب و خارق العاده که دیگران از انجام دادن آن عاجز باشند؛ چه در قسمت اثباتی، یعنی پیامبران کارهای خارق العاده‌ای انجام دهند که دیگران از اتیان به آن ناتوانند، مثل تبدیل عصای چوبین به اژدها؛ و چه در قسمت سلبی؛ یعنی کارهایی را که عادت مردم به انجام دادن آن تعلق گرفته و به طور معمول آن را انجام می‌دهند. پیامبران آن عادت را شکسته و کاری کنند که بشر از انجام دادن این فعل معتاد عاجز شود؛ فی‌المثل با قدرت الاهی کاری کند که یک قهرمان نامی از حمل یک شمشیر ناتوان بماند» (حلّی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۸).

آیت الله خویی نیز نیز پیرامون معجزه چنین می‌نگارد:

«کسی که مقامی را از ناحیه خداوند برای خود ادعا می‌کند، باید به عنوان گواه بر صدق گفتارش عملی را انجام دهد که به ظاهر بر خلاف قوانین خلقت و از مسیر عادی و طبیعی خارج است و دیگران از انجام دادن آن عمل عاجز و ناتوان هستند. چنین عمل خارق العاده‌ای را معجزه و انجام دادن آن عمل را اعجاز می‌نامند» (مرحوم خویی، ۱۴۱۸: ج ۳۵، ص ۳۳).

همچنین علامه مجلسی هفت شرط برای معجزه بر شمرده و می‌گوید:

«۱- این که از افعال خدا یا چیزی معادل آن باشد؛ ۲- خارق العاده باشد؛ ۳- قابل معارضه نباشد (پس سحر و شعبده معجزه نیستند)؛ ۴ - همراه با تحدی باشد؛ ۵ - موافق با ادعا باشد؛ ۶ - تکذیب کننده او نباشد؛ ۷ - معجزه باید متاخر یا همراه با دعوی نبوت باشد، نه قبل از آن، و مشهور این است که امور خارق العاده قبل از ادعای نبوت، کرامات و مقدمات نبوت هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۷، ص ۲۲۲؛ همچنین ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۷۳).

با توجه به مطالب ذکر شده، آنچه در معجزه لازم است این‌که، فعل و عملی در برابر

چشمان تعدادی از مخالفان صاحب دعوت صورت پذیرد تا دلیلی بر حقانیت امر مدعی باشد، و بتوان درستی و نادرستی آن را تشخیص داد؛ که این مطلب در مورد سخن ادعایی احمد قابل تطبیق نیست و کسی از مخالفان او این مطلب را تایید نکرده است. این ادعا از جمله اموری نیست که بفهمیم او درست می گوید یا نه ؛ و از کجا معلوم که جای دیگر نباشد؟

حضرت عیسی علیه السلام - از میان انبیای گذشته - و رسول خدا صلی الله علیه و آله، وقتی معجزاتی، مانند زنده کردن مردگان و قرآن را ارائه دادند، قابل بررسی بوده و مردم می توانستند ادعای ایشان را بررسی کنند و آن ها را به چشم خود دیدند، تا حجتی بر آن ها باشد. دیگر معجزات انبیا علیهم السلام نیز از این قبیل بوده و در برابر چشم دیگران و برای اثبات حقانیت آنان بوده است، که هیچ یک از این معیارها در ادعای احمد وجود ندارد.

همچنین معجزه نباید با عقل و یا نقل و احادیث وارد شده از اهل بیت علیهم السلام مخالف باشد. به عنوان نمونه، هیچ فردی نمی تواند ادعا کند که من نوری را که برای شما نشان داده ام، خداست؛ چرا که عقل و روایت های متعدد این امر را محال و غیر ممکن دانسته اند.^۱ سخن ادعایی احمد نیز از این قبیل بوده؛ چرا که نظر او مخالف با احادیث وارد شده از ائمه علیهم السلام در مورد مکان دفن حضرت زهرا علیها السلام مخالف می باشد و با نظر اهل سنت مطابقت دارد.^۲ مشهور در میان علمای اهل سنت این است که ایشان در بقیع دفن شده اند و این سخن از اقوال ضعیف در میان شیعیان است.^۳

۱. ر.ک: همان

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰. جهت تفصیل ر.ک. تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، ص ۱۱۳، مجله میقات حج، بهار ۱۳۷۳، شماره ۷ مقاله آیت الله نجمی، (تاریخ حرم ائمه بقیع/قبر فاطمه زهرا علیها السلام یا فاطمه بنت اسد)، ص ۹۲ و مصاحبه ایشان در سایت انتخاب به آدرس:

کد خبر: ۲۵۱۴۸، تاریخ انتشار: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ - www.Entekhab.ir

در این مصاحبه نکته ای از آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله عمری در مورد مزار حضرت زهرا علیها السلام ذکر کرده اند که در تحلیل بحث مفید است.

علاوه بر نکات ذکر شده، از شرایط معجزه، عدم امکان تحدی با آن می‌باشد؛ در حالی که روایات متعددی در نقض این پیشگویی ادعایی وجود دارد که در ادامه مقاله به منابع آن اشاره خواهیم کرد.

در واقع، ادعای احمد بصری در آوردن معجزه، همانند معجزه علی محمد باب می‌باشد که در وصف معجزه اش چنین گفته‌اند:

«همین که از وی سوال شد: از معجزه و کرامت چه داری؟ گفت: اعجاز من این است که برای عصای خود آیه نازل می‌کنم و به خواندن این فقره آغاز نمود:

بسم الله الرحمن الرحيم. سبحان الله القدوس السبوح الذی خلق السموات و الارض كما خلق هذه العصا آیه من آیاته».

اما اعراب کلمات را به قاعده نحو غلط خواند، زیرا «تاء» را در «السموات» مفتوح قرائت کرد و چون گفتند مکسور بخوان، «ضاد» را در «الارض» مکسور خواند. امیر اصلاخان که در مجلس حضور داشت؛ گفت:

اگر این قبیل فقرات از جمله آیات شمرده شود، من هم می‌توانم تلفیق کنم و گفت: «الحمد لله الذی خلق العصا كما خلق الصباح و المساء!» (جمعی از نویسندگان زیر نظر سید مصطفی میر سلیم، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۸).

تذکر

سیاست حکیمانه حضرت زهرا (علیها السلام) و امیر المومنین (علیه السلام) این بوده است که، جسم مطهر ایشان را شبانه دفن کنند و در زمان خلفای سه گانه، محل قبر بر آن‌ها مخفی باشد، تا سندی برای مظلومیت این بانو و پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گیرد و برای همیشه تاریخ این سخن باقی بماند که چرا سرور زنان دو دنیا و پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شبانه دفن گردید و کسی بر مزار مخفی اش حاضر نشد؟ و چرا اجازه حضور خلفا در تشییع جنازه و نماز بر پیکر ایشان نداده و آن‌ها را آگاه نکردند؟ (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۲۲).

اما در ادامه ذکر خواهیم کرد که با این وصف، در زمان امام صادق (علیه السلام) و دیگر اهل بیت (علیهم السلام)، مکان دفن ایشان را برای شیعیان مشخص و حداقل محدوده اصلی آن را بیان

نموده‌اند و با دفن شبانه و مخفی بودن بارگاه ایشان برای خلفای سه‌گانه و پیروانشان تنافی ندارد. این عملکرد، همانند مشخص نمودن قبر امیر المومنین علیه السلام در دوران هارون خلیفه عباسی می‌باشد؛ (شیخ مفید، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۲۶) که با وجود علنی شدن مزار مطهر علی علیه السلام، مظلومیت ایشان در زمان بنی امیه و مخفی بودن قبر در آن دوران خفقان به جای خود باقی است.

آنچه روایات اهل بیت علیهم السلام برای ما مشخص کرده‌اند، غیر از ادعای احمد بصری بوده و به روشنی بطلان معجزه ادعایی او درک می‌گردد.

در میان منابع شیعی، سه مکان را به عنوان محل دفن حضرت زهرا علیها السلام بیان کرده‌اند:

۱. خانه ایشان.

۲. میان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و منبر ایشان (روضة النبی).

۳. بقیع.

آنچه را روایات معتبر و متعدد شیعی اثبات می‌کند، دفن ایشان در خانه خود و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و ضعیف‌ترین قول در میان شیعیان که بدان اعتنا نشده است، دفن این بانوی بزرگوار در بقیع می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ص ۱۵۳)؛ و عجیب این که احمد بصری که مدعی داشتن علوم اهل بیت علیهم السلام است، برخلاف ائمه علیهم السلام و موافق سیره اهل سنت، سخن خود را مطرح کرده است.

در منابع متعدد و معتبر، مانند: نهج البلاغه (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۳۲۰)، قرب الاسناد (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۳۶۷)، الکافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، صص ۴۵۹ - ۴۶۲). جهت تبیین ص ۴۵۹ ر.ک؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۷، ص ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۲۴)، من لایحضره الفقیه (ابن بابویه، صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۵۷۳)، معانی الاخبار (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۶۸)، المقنعة (مفید، ۱۴۱۳: ص ۴۵۹)، تهذیب الاحکام (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۰)، اعلام الوری (طبرسی، ۱۴۱۷: ص ۱۵۳)، الاقبال (ابن طاوس، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۶۲۳) و ده‌ها منبع دیگر، به این امر و بنابر روایات اهل بیت علیهم السلام استناد نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۷، ص ۱۹۱؛ حسن زاده آملی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۴۴۶، کلمه ۳۴۵).

به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می‌کنیم.

الف). «مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عليه السلام عَنْ قَبْرِ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمِّیَّةٍ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۶۲)؛ ابی نصر می‌گوید: از حضرت رضا عليه السلام راجع به قبر فاطمه عليها السلام پرسیدم. فرمود: در خانه خود به خاک سپرده شد. سپس چون بنی امیه مسجد را توسعه دادند، جزء مسجد شد.»

ب) وَ سَأَلْتُهُ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، أَيْ مَكَانٍ دُفِنَتْ؟ فَقَالَ: «سَأَلَ رَجُلٌ جَعْفَرًا عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ - وَ عِيسَى بْنُ مُوسَى حَاضِرٌ - فَقَالَ لَهُ عِيسَى: دُفِنَتْ فِي الْبَقِيعِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: مَا تَقُولُ؟ فَقَالَ: «قَدْ قَالَ لَكَ». فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، مَا أَنَا وَ عِيسَى بْنُ مُوسَى، أَخْبِرْنِي عَنْ آبَائِكَ. فَقَالَ: «دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۳۶۷).

از امام رضا عليه السلام پرسیده شد: مکان دفن حضرت زهرا عليها السلام کجاست؟ فرمود: فردی از امام صادق عليه السلام همین نکته را پرسید. عیسی بن موسی^۱ در آن جا حاضر بود؛ گفت: در بقیع دفن شده است. مرد از امام صادق عليه السلام پرسید: شما چه می‌فرمایید؟ چون امام نظر عیسی را قبول نداشت؛ به کنایه فرمود: ظاهراً جواب داد. پرسش‌گر گفت: خدا شما را خیر دهد! من با عیسی بن موسی چه کار دارم. مرا از پدران بزرگوارتان خبر دهید؟

امام عليه السلام در رد سخن عیسی بن موسی، در جواب فرمود: «در خانه خود دفن شده است». بسیاری از علمای شیعه این نظر را تایید کرده، به عنوان نمونه شیخ صدوق می‌نویسد: مصنف این کتاب رحمته الله گفت: روایات در باره محل قبر فاطمه عليها السلام سرور زنان جهانیان

۱. احتمالاً مراد عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس باشد. این فرد از فرماندهان منصور دوانیقی بوده است. (شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۵۳)

اختلاف دارند؛ چنان که بعضی از روات روایت کرده اند که آن بانو در بقیع مدفون شده، و بعضی روایت کرده اند که آن حضرت در میان قبر و منبر به خاک سپرده شده، و پیامبر ﷺ از آن رو فرموده است: ما بین قبر من و منبر من باغی از باغ های بهشت است؛ زیرا قبر او ما بین قبر و منبر است و بعضی روایت کرده اند که آن خاتون بزرگ در خانه خودش دفن شده است، و چون بنی امیه بر مساحت مسجد افزودند، قبر آن بزرگوار جزء مسجد شده است، و به نظر من این قول صحیح است، و من زمانی که بیت الله الحرام را حج کردم، به توفیق خدای تعالی بازگشتنم از مدینه بود. چون از زیارت رسول خدا ﷺ فراغت یافتم به زیارت فاطمه ﷺ که از جانب باب جبرئیل به طرف حظیره رسول خداست؛ رفتم؛ در حالی که سمت چپم به آن سو بود، و پشتم را به سوی قبله کردم، و در حالی که غسل داشتم، روی خود را به سوی آن متوجه ساختم. (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۵۷۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۶۸؛ و همچنین ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۷، ص ۱۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۴۹)

نکته قابل توجه این که روایتی که شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ص ۴۵۹) و صاحب کتاب *دلائل الامامة* (طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۸: ص ۴۶)، بنابر آن، مکان را روضة النبی می دانند، قابل جمع با روایت دفن در خانه بوده (جهت وجه جمع این دو نظر و عدم تنافی آن با هم و تایید دفن این بانو در خانه و کنار رسول خدا ﷺ (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۴۹؛ نجمی، بهار ۱۳۷۳: مقاله آیت الله نجمی، تاریخ حرم ائمه بقیع، قبر فاطمه زهرا ﷺ یا فاطمه بنت اسد، ص ۱۰۹) و به تعبیر شیخ طوسی، این روایات قریب به هم بوده (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۰) و به هر صورت جهت نقد تفکر احمد بصری قابل استفاده است.

برخی برای مخفی بودن قبر حضرت زهرا ﷺ، به خواب پدر آیت الله مرعشی نجفی، استناد نموده اند،^۱ که این خواب در برابر نصوص و روایات وارد شده از اهل بیت ﷺ، تاب مقاومت نداشته و کلام اهل بیت برای ما حجت است.

پس از روشن شدن اشتباه احمد بصری، یکی از یارانش از او پرسشی نموده که پاسخ

۱. ر.ک: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920615000287>

احمد بصری در توجیه معجزه ادعایی خود چنین است:

« أما كلام الامام الرضا عليه السلام و الائمة عليهم السلام لمن كان يسألهم من شيعتهم عن موضع قبر فاطمة عليها السلام ليزوره، فكانوا يرشدوه ليزور فاطمة عليها السلام في حجرتها و لم يصرحوا لأحد أنه قبرها، إنما توهموا من سمعوا أن القبر في الغرفة (احمد بن اسماعيل، ج ۱-۳، ص ۳۱۹)؛ اما سخن امام رضا و ائمه عليهم السلام برای کسانی که از محل دفن حضرت زهرا عليها السلام پرسیده‌اند بدان مبناست که زیارت‌کنندگان آنان را راهنمایی نموده‌اند تا ایشان را در خانه اش زیارت کنند؛ ولی نفرموده‌اند که حضرت، در خانه اش دفن شده است! و کسانی که روایت را شنیده‌اند، گمان کرده‌اند قبر در خانه است».

باطل بودن این سخن چنان واضح است که به تحلیل آن نیازی نمی‌باشد. عبارت نقل شده از امام رضا عليه السلام، گویای دفن ایشان در خانه است و عبارت (دفنت فی بیتها) به این مطلب تصریح دارد.

در مجموع روایت دفن فاطمه زهرا عليها السلام:

در منابع اصلی و معتبر ذکر شده است، و ائمه عليهم السلام در مکان دفن صراحت دارند، به صحیح بودن این نظر تصریح شده است و روایت تعدد دارد و نادر نیست.

با توجه به موارد مذکور، روایت دفن حضرت زهرا عليها السلام پشتوانه اعتماد علما را دارد و به تعبیر روایت، باید به قول مشهور علما (که به ادله موید است)، در برابر قول ضعیف عمل نمود. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۸)

گزارش دفن در بقیع مطابق نظر اهل سنت بوده و در میان علمای شیعه از اقوال شاذ و نادر است و بنابر دستور اهل بیت عليهم السلام در مقام تعارض دو خبر اگر یکی از اخبار موافق نظر شیعه بود و دیگری موافق عقاید اهل سنت، باید آنچه را با عقاید اهل سنت مخالف است، برگزینیم (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲ ص ۲۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۸)، و این، کاری است که احمد بصری خلاف آن را انجام داده است.

نمی‌توان نظر احمد بصری را پذیرفت و یا آن را حمل بر تقیه نمود.

۳. خواب و رویا

«خواب یکی از پیچیده‌ترین ابزارهایی است که برای دست زدن به اقدامات سیاسی مختلف و از جمله مهدویت وجود دارد. این مسئله درباره بسیاری از متمم‌های تاریخ و حتی بسیاری از اقدامات بزرگ و سرنوشت ساز سیاستمداران از قدیم و جدید کاربرد داشته و دارد. در عصر جدید، ماجرای جُهیمان و قحطانی و یا حتی درباره مهدی سودانی و بسیاری دیگر خواب یک ابزار مهم در اثبات مهدویت تلقی می‌شود» (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۳۹).

استفاده از خواب و رویا در میان مدعیان دروغین جایگاهی ویژه دارد، و چون بر اثبات ادعای خود دلایل کافی ندارند، به این امور متوسل می‌شوند. به عنوان نمونه، نوع تبلیغات احمد بصری، با روش کاری فردی با نام "جهیمان عتبی" از شیوخ سلفی و وهابی مقیم عربستان و معرفی کننده "محمد بن عبدالله قحطانی" در تاریخ اول محرم ۱۴۰۰ قمری در مکه، به عنوان مهدی موعود، بسیار نزدیک می‌باشد.

جهیمان در اثبات ادعاهای خود می‌گوید:

« دو سال است که برادران، او را به عنوان مهدی می‌شناسند..... به شما بشارت می‌دهم که بارها خواب‌ها در باره خروج مهدی دیده شده و کسانی خواب دیده اند که این مهدی را ندیده بودند. وقتی دیدند، تایید کردند که همان است که در خواب دیده‌اند. او حدیثی هم از پیامبر در تایید خواب خواند که فرمود: **لَمْ يَأْتِ مِنَ الْوَحْيِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ: الرُّوْيَةُ الصَّالِحَةُ.....**؛ از وحی چیزی جز مبشرات که همان رویای صالحه است، باقی نمانده است. خوابی که مومن می‌بیند، یا برای او می‌بینند.» (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۲۵۲)

از این روی احمد بصری نیز مانند دیگر مدعیان، یکی از دلایل خود را، که از آن به کوتاه‌ترین راه ممکن جهت اثبات ادعاهای خود نام می‌برد (ر.ک. احمد بن اسماعیل، ج ۱، ص ۷)؛ خواب و رویاست.

او می‌گوید: چون شیطان نمی‌تواند در قالب رسول خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) تمثل پیدا کند؛ اگر کسی آن‌ها را در خواب دید، سخنشان را باید مانند حدیث قطعی قبول نماید.

امامیه، اصل خواب و رؤیا و به وجود آمدن ارتباط روحی میان انسان خاکی و مبادی عالی و کشف بخشی از حقایق برای انسان را می‌پذیرد و به استناد آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، آن را نوعی الهام درونی می‌داند. در احادیث و روایات، رؤیا به چند گونه تقسیم شده است، در برخی روایات سه نوع است که عبارتند از: «بشارة من الله للمومن، و تحذیر من الشیطان» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۸، ص ۱۸۱)؛ «و اضغاث احلام»، یعنی رویا و خواب یا بشارتی است که خداوند به مومن می‌دهد، یا آنچه شیطان القا می‌کند و یا آن که رویا چیزی جز خواب‌های آشفته نمی‌باشد» (جمعی از نویسندگان، زیر نظر احمدصدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۸۶: ج ۸، ص ۳۹۸).

چیستی رؤیا، اقسام آن، محدوده اعتبار و بررسی نظریات فلاسفه و فقها در مورد آن، به مقاله‌ای مستقل نیاز دارد. در این گفتار تلاش کرده‌ایم تا مقداری از انحراف این گروه را مشخص کنیم. سخن ما در این است که شیاطین می‌توانند برای انسان‌ها تخیل دیدن معصوم علیه‌السلام را ایجاد کنند و الزاما افرادی که به نام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم یا یکی دیگر از معصومان علیهم‌السلام رویت می‌شوند، بر صادقانه بودن خواب دلالت ندارند. باید دانست که روایات، اعتبار رویای صادق و خواب رحمانی را بیان کرده، و القائات شیطان در خواب جهت گمراهی افراد، اعتبار ندارد. نیز با توجه به انحراف‌های ثابت شده در ادعاهای احمد بصری، آنچه را طرفداران او دیده‌اند، به یقین القائات شیطانی بوده است.

به عبارت دیگر، وقتی برای ما اثبات شده که این فرد، از جمله مدعیان دروغین می‌باشد، مگر می‌توان عقل و روایات اهل بیت علیهم‌السلام را تعطیل کرد و به خواب روی آورد؟!^۱

نکته دیگری که باید به آن توجه نمود این که اگر بخواهیم باب خواب و رؤیا را باز کنیم، امروزه بسیاری از ادیان و فرق انحرافی می‌توانند ادعاهای باطل خود را با تمسک به خواب به

۱. خوانندگان محترم جهت روشن تر شدن دروغ‌های این فرد ر.ک: مقاله (بررسی برخی ادله روایی احمد بصری؛ یمانی دروغین)، محمد شهبازیان، فصلنامه مشرق موعود، ش ۲۷

میریدان خود القا نمایند؛ همان طور که اهل سنت ادعا دارند، رسول خدا ﷺ و ابوبکر و عمر را با یکدیگر دیده‌اند و رسول خدا ﷺ آن‌ها را به عنوان خلیفه معرفی کرده است. (ر.ک: اندلسی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۲۶۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۶، ص: ۲۱۷) ما به یقین این خواب‌ها را به تعبیر قرآن (اضغاث احلام) می‌دانیم و تمام آن‌ها خواطر شیطانی است؛ چرا که به دلیل متقن اثبات گردیده که حضرت علی (علیه السلام) جانشین به حق رسول خدا ﷺ بوده است.

برخی صوفیه در عظمت شیوخ خود به خواب متمسک شده و در شرح حال آن‌ها چنین می‌گویند: «شیخ الاسلام گفت: شاه شجاع ۴۰ سال نخفته بود... وقتی در خواب شد، حق تعالی را خواب دید؛ بیدار شد و این بیت را بگفت:

رایتک فی المنام سرور عینی (قلبی) فاجبت التعیش و المناما

تو را در خواب دیدم، شاد و قلبم؛ پس، دوست می‌دارم خواب را.

پس از آن، پیوسته همی خفتی یا وی را خفته یا فتندی یا در طلب خواب.» (جامی، صص ۶۹ و ۲۲۸)

یا این که در عظمت ابو سعید ابوالخیر، به این داستان و خواب متمسک شده‌اند که شیخ علی بن محمد بن عبدالله، معروف به ابن باکویه، از رقص و سماع ابو سعید ابوالخیر، برائت می‌جست؛ اما در سه رویای پیاپی چنین می‌بیند که به او می‌گویند: قوموا وارقصوا لله؛ برخیز و رقص کن؛ و از این جا یقین کرد که رقص ابو سعید بلا اشکال است» (جامی، ص ۲۱۴)

کراچکی که از شاگردان شیخ مفید می‌باشد، در کتاب خود بحث مفصلی از شیخ مفید نقل کرده و این گونه رؤیاها را باطل می‌داند (کراچکی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۶۵؛ همچنین ر.ک: مرتضی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۱۳). شیخ مفید معتقد است این روایات واحد است و در اصول عقاید کار آیی ندارد. شیطان می‌تواند برای انسان به صورت نبی و رسول خود را نشان دهد؛ چرا که کسی در زمان ما، رسول و نبی را ندیده است تا بتواند تشخیص دهد آیا این چهره حقیقتاً رسول خدا هست، یا نه.

تعدد خواب‌هایی که در آن وجود رسول خدا ﷺ تخیل شده است و ایشان به عقیده‌ای

دستور داده‌اند که در باطل بودن آن تردید نیست؛ گویای آن است که اجنه و شیاطین می‌توانند چهره‌سازی کرده و برای بیننده رویا، ایجاد توهم نمایند. حتی شخص مدعی یمانی (احمد بصری) و یارانش، این نکته را قبول دارند که اجنه و شیاطین می‌توانند خواب‌سازی کنند و خود را به جای معصوم نشان بدهند. (ر.ک: احمد بن اسماعیل، ج ۱-۳، ص ۳۲۱؛ الانصاری، صص ۲۰ و ۹۰)؛ به ویژه این که هیچ یک از افراد بشر در این دوران، چهره حقیقی پیامبر ﷺ را ندیده است و نمی‌داند ایشان به چه صورتی بوده اند تا بخواهد درستی و نادرستی رویای خود را تشخیص بدهد.

شیخ مفید مثال زیبایی زده و سخن دقیقی را بیان می‌کند:

برخی از ناصبی‌ها و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام بعد از این که شیعه شدند،^۱ برای ما تعریف کردند که در زمان انحراف عقیدتی شان، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در خواب دیده اند که ابوبکر و عمر همراه او بوده و صاحب خواب را به تبعیت و محبت به آنان دستور می‌نمود؛ در حالی که یقیناً این خواب و رویا باطل بوده است و شیطان در قالب رسول خود را نشان داده است.

همچنین آنچه در برخی گزارش‌ها به دست می‌آید، گویای آن است که تشخیص رویای صادق از کاذب آن قدر مشکل است که برخی از علمای ربانی و اولیای خدا نیز از تعبیر اشتباه در امان نبوده و با این که گمان کرده اند این رویا صادق است، و عقاید خود را بدان مستند می‌نمودند؛ مسیر را به انحراف رفته‌اند.

به عنوان نمونه می‌توان به قصه تحریم استفاده از قلیان اشاره نمود که برخی از اخباریین با تمسک به رویا، بر علمایی که استفاده از تنباکو را جایز می‌دانستند، احتجاج کرده‌اند و قائلین به جواز نیز به رویای دیگری استناد نموده‌اند که بر اذن امام علیه‌السلام به استفاده از قلیان دلالت دارد.^۲ یا این که برخی از مخالفان فلسفه و اخباریون،^۳ علیه بزرگانی، مانند ابن سینا (طریحی،

۱. توجه شود که این سخن در زمان تشیع این افراد است. پس نمی‌توان آن‌ها را به دروغ‌گویی متهم نمود.

۲. حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین، ص ۸۴.

۳. الفوائد المدنیة و بذیلة الشواهد المکیة، ص ۵۳۵.

۱۳۷۵: ج، ص ۲۷۰)؛ ابن ادریس حلی و علامه حلی، به رویاهایی که از نظر آن‌ها صادق بوده، استناد جسته‌اند؛^۱ در حالی که در برابر آن‌ها در تایید این بزرگان رویاهای صادق دیگری از طرف علمای موافق آن‌ها ارائه گردیده است.

در صورتی که با تمسک به این خواب نمی‌توان ارزش علمی علامه حلی و فقاہت ایشان را زیر سوال برد و ضعف استدلال مشخص است؛^۲ در حالی که رویاهایی دیگر در عظمت علامه حلی و کتاب‌های ایشان وارد شده است.^۳

آیت الله جوادی آملی نیز در عدم حجیت خواب در مباحث علمی و اعتقادی چنین می‌فرماید:

« شاید سرّش آن باشد که در آن صورت حدّ و مرزی برای رؤیا و مکاشفات عرفانی وجود نمی‌داشت و هر کس هر چه می‌خواست در عالم رؤیا می‌دید یا در عالم مکاشفه مشاهده می‌کرد. از امور ساده‌ای مثل این که فلانی باید فلان مبلغ را به فلان کس بدهد؛ فلانی باید فلانی را به عقد خود درآورد یا به عقد فلانی درآید یا... گرفته تا امور مهمی، مانند ادعای نیابت و سفارت از حضرت بقیت الله ﷺ و... در نتیجه بسیاری از امور واجب و بسیاری دیگر حرام می‌شدند و الزامات و التزامات فراوانی پدید می‌آمدند و راهی برای نفی و اثبات آن‌ها نبود و خلاصه، سنگی روی سنگی بند نمی‌شد، در حالی که معیار الزامات و التزامات فقهی در عصر غیبت آن است که دیگران راه عالمانه‌ای برای اثبات یا نفی آن داشته باشند و این، راهی جز استناد و اتکا به ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) در استنباطات فقهی ندارد»

۱. صاحب الحقائق الناظره که خود نیز از اخباریین محسوب می‌گردد، نگاه تندو همراه با افراط امین استر آبادی نسبت به علامه حلی را نقد کرده است. ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. سید محسن امین در رد سخن امین استر آبادی می‌گوید:
«إنّ هذا المنام مخلوق مكذوب على العلامة، و أماره ذلك ما فيه من التسجيع، مع أنّ العلامة إما مأجور أو معذور، و تأليفه في علم أصول الفقه من أفضل أعماله، و لا يستند إلى المنامات إلّا ضعفاء العقول أو من يرجون بها نحلهم و أهواءهم» أعيان الشيعة، ج ۵، ص ۴۰۱.

۳. تعلیقه أمل الآمل، ص ۱۶۹.

(جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۱۴۱)

همچنین ایشان در توصیه‌ای ظریف به متولیان فرهنگی چنین تذکر می‌دهند:

« بر این اساس، زمامداران فکری و فرهنگی جامعه باید توجه داشته باشند که با نقل رؤیاهای شیرین، مردم را به خواب شیرین فرو نبرند که اگر در کوتاه‌مدت از شنیدن آن لذت ببرند و بستر رشد و هدایتشان گسترده شود، در درازمدت زمینه یورش و شبیخون بیگانه فراهم می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۱۴۱).

حجیت و اعتبار رویا برای استنباط حکم شرعی یا اثبات آن از سوی فقهای امامیه (از قدما تا معاصرین) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که اصل اولی در اثبات احکام شرعی استنباط آن، به وسیله یکی از ادله چهار گانه، یعنی قرآن، سنت، اجماع و دلیل عقل است و هر دلیل خارج از آن مقبول نیست؛ مشاهدات انسان هنگام خواب و دیدن رویاهایی که دلالت بر حکم شرعی نماید، فاقد اعتبار می‌باشد.

در میان متکلمان و فقهای شیعه نیز کسی به اعتبار خواب در برابر نص و روایت قائل نبوده و در امور یقینی به خواب استناد نکرده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ مفید، (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۸: ص ۱۳۰)، سید مرتضی، (مرتضی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۱۳)، علامه حلی (حلی، ۱۴۰۱: ص ۹۸)، ملا احمد نراقی (نراقی، ص ۱۹۱)، میرزای قمی (گیلانی میرزای قمی)، (۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۹۶) و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۸، ص ۲۳۸)؛ مباحثی را در این زمینه مطرح کرده و حدود اعتبار رویا و خواب را بیان نموده‌اند.

علامه حلی به صراحت در پاسخ به کسی که روایت عدم تمثل شیطان را در قالب رسول خدا ﷺ می‌خواند؛ می‌گوید:

«ما یخالف الظاهر فلا ینبغی المصیر الیه، و أما ما یوافق الظاهر فالأولی المتابعة من غیر وجوب، و رؤیته صلی الله علیه و آله لا یعطی وجوب اتباع المنام (حلی، ۱۴۰۱: ص ۹۸؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ص ۴۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۶۹۰؛ بحرانی، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۲۸۴؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ص ۳۱۴)؛ آنچه از خواب و رویا با ظاهر دستور اهل بیت علیهم السلام مخالف باشد؛ به هیچ عنوان پذیرفته نمی‌شود و آنچه را نیز با

ظاهر دستورات اهل بیت (علیهم‌السلام) موافق است، می‌توان تبعیت کرد؛ اما وجوبی در اطاعت از این دسته از خواب‌ها نیز نمی‌باشد و دیدن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خواب اطاعتی را بر ما واجب نمی‌کند.

از این روست که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند:

« فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ » (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۴۸۲)؛
دین خدا عزیزتر و علمی‌تر از آن است که بخواهد با خواب فهمیده شود.^۱

نتیجه

با توجه به این که در جای خود اثبات گردیده که هیچ دلیل روایی بر اثبات ادعاهای احمد بصری وجود نداشته و بلکه فردی است که از روش جعل، تحریف و تقطیع روایات بر اغفال مردم سعی نموده است؛ شکی در باطل بودن این جریان باقی نمی‌ماند تا بخواهیم از روش‌هایی مانند خواب و استخاره استفاده نماییم. به علاوه این که در مقاله اثبات نمودیم که دلیلی بر اعتبار خواب و استخاره جهت تعیین مصداق حجت‌الاهی و معصوم (علیه‌السلام) وجود ندارد. از طرف دیگر، حتی این فرد در ارائه معجزه ناکام بوده و به مواردی تمسک پیدا کرده که نه تنها اثبات حقانیت او نیست؛ بلکه راهی برای تشخیص دروغ‌گویی و انحراف این فرد و جریان منسوب به او می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، محقق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.

۱. از طرف دیگر، یکی از شیعیان که در صحت خوابش به خدا سوگند خورده است؛ عنوان می‌کند که امام صادق (علیه‌السلام) را در خواب دیده که احمد را فردی منحرف و دروغ‌گو معرفی کرده است. صوت این فرد در سایت ندای شیعه بار گذاری شده است.
آدرس: www.hagh110.com با عنوان (مدعیان دروغین نیابت خاصه امام زمان (علیه‌السلام)، احمد اسماعیل الگاطع)

۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية فى غريب الحديث و الأثر*، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فى تمییز الصحابة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، *فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأریاب*، قم: آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، *كشف المحجة لثمره المهجة*، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. ابن فارس، احمد، *معجم المقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. اندلسی، عیاض بن موسی، *ترتیب المدارک و تقریب المسالك لمعرفة اعلام مذهب مالک*، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد، *الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة*، بیروت: دار المصطفی لإحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۱۴. بحرانی، یوسف، *الحقائق الناطرة فى احکام العترة الطاهرة*، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۱۵. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۶. جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس من حضرات القدس*، چاپ کتابفروشی محمودی تهران، بی تا.
۱۷. جزائری، نعمت الله، *ریاض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار*، بیروت: موسسه تاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۱۸. جعفریان، رسول، *مهديان دروغین*، تهران: نشر علم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی، *موسوعة الفقه الاسلامی طبقا لمذهب اهل البيت علیهم السلام*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۲۰. جمعی از نویسندگان زیر نظر احمدصدر حاج سید جوادى، کامران فانی، بهالدین خرمشاهی، *دائرة المعارف تشیع*، تهران: نشر شهید سعید محبی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

۲۱. جمعی از نویسندگان زیر نظر سید مصطفی میر سلیم، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. جمعی از نویسندگان زیر نظر کاظم موسوی بروجردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)*، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. حسن زاده آملی، حسن، *هزارو یک کلمه*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. حلی، حسن بن یوسف، *اجوبة المسائل المهنائية*، قم: خیام، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
۲۷. حلی، حسن بن یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. حمیری، عبد الله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم: آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. خوئی، ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن (موسوعة الامام الخوئی)*، قم: احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. دانیالی، محمد جواد، *(اعتبار سنجی استخاره با قرآن)*، فصلنامه علمی - تخصصی «فقه»، ش ۶۸، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، زمستان ۹۰.
۳۱. الدهشوری، سلمان، *دراسة استدلالیة حول الاستخارة (۱) و (۲)*، فصلنامه فقه اهل البيت علیهم السلام، ش ۵۸، و ش ۵۹، قم: موسسه دایرة المعارف فقه الاسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مذهب الاحکام*، قم: المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر، *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الاساسیة*، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۳۴. شبر، سید عبدالله، *الاصول الاصلیة و القواعد الشرعیة*، قم: کتابفروشی مفید، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. شهبازیان، محمد، و یوسفیان، مهدی «بررسی برخی ادله روایی احمد بصری یمانی دروغین»، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، ش ۲۷، پاییز ۱۳۹۲.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، *علل الشرایع*، قم: داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۳۸. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. طبرسی. فضل بن حسن، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.

۴۰. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الإمامة*، بیروت: اعلمی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۴۱. طریحی، فخر الدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.
۴۳. طوسی، محمد بن الحسن، *کتاب الغیبة للحجة*، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۴۴. طوسی، محمد بن الحسن، *اختیار معرفة الرجال*، نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴۵. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۸، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. گیلانی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمد، *قوانین الاصول*، تهران: المكتبة العلمية الاسلامیه، ۱۳۷۸ ق.
۴۸. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی - الأصول والروضة*، تهران: المكتبة الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۱۱ ج، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۰. مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ﷺ*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴.
۵۱. مجلسی، محمد باقر، *ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاخبار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۵۲. مرتضی، علی بن الحسین، *رسائل الشریف المرتضی*، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الفصول المختارة*، قم: کنگره هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۴. مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۵. نجمی، محمد صادق، *تاریخ حرم ائمه بقیع*، قبر فاطمه زهرا علیها السلام یا فاطمه بنت اسد، مجله میقات حج، شماره ۷، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، بهار ۱۳۷۳ ش.
۵۶. نجمی، محمد صادق، *تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره*، قم: نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۵۷. نراقی، احمد، *منهاج الاحکام و الاصول*، موجود در کتابخانه اینترنتی نور به آدرس:
<http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/16676>

۵۸. یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم، *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)*، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۵۹. کتب چاپ شده در انتشارات طرفداران احمد بصری با عنوان «*اصدارات انصار الامام المهدي*».

۶۰. احمد بن اسماعیل، *الجواب المنیر*، بی نا، بی تا، بی جا.

۶۱. احمد بن اسماعیل، *المتشابهات*، بی نا، بی تا، بی جا.

۶۲. احمد بن اسماعیل، *نصیحة الی طلبیة الحوزات العلمیة*، بی نا، بی تا، بی جا.

۶۳. الانصاری، زکی، *بین یدی الصحة القراءة فی الاحلام منهجا وعلما*، بی نا، بی تا، بی جا.

۶۴. واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدي، *ادله جامع یمانی*، بی نا، بی تا، بی جا.

اینترنت

60. Entekhab.ir.www

61. www.hagh110.com.

